

بررسی نقش خانواده در بروز آسیب‌های اجتماعی فرزندان در ایران

اسداله بابایی فرد، زینب امیدی، شعله پورعباسی

۱. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان.
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان.
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان.

babaiefardm@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش خانواده در بروز آسیب‌های اجتماعی فرزندان در ایران انجام شده است. در پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این پرسش هستیم که: ضعف خانواده چه تأثیری بر آسیب‌های اجتماعی فرزندان دارد؟ اساساً کاهش کارکردهای خانواده می‌تواند آن را در معرض بحران و فروپاشی قرار دهد. در این پژوهش با تکیه بر نظریه کنترل قدرت، نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه قشربندی اجتماعی، نظریه فشار، نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، نظریه شیوه‌های فرزندپروری و نظریه هم‌نشینی، و همچنین با ارجاع به پژوهش‌های تجربی در این زمینه، درصد برآمدیم تا نقش خانواده در بروز آسیب‌های اجتماعی فرزندان را مورد بررسی قرار دهیم.

روش پژوهش: اطلاعات مورد نیاز پژوهش از طریق مطالعات اسنادی - کتابخانه‌ای و مراجعه به سایت‌های نشریات جمع‌آوری شده است.

یافته‌ها: بر اساس نتایج این پژوهش، عواملی مانند ضعف بنیه‌های اقتصادی خانواده، تعارض و کشمکش در خانواده در میان والدین و یا والدین و فرزندان، نظارت اندک والدین، ضعف روابط اعضا در خانواده، ضعف پایبندی به اعتقادات مذهبی، شیوه‌های تربیتی مستبدانه، سهل‌گیرانه و مبتنی بر بی‌تفاوتی، ضعف پیوندهای عاطفی در میان اعضای خانواده و انحرافات مجرمانه‌ی والدین و یا نزدیکان در گرایش به ارتکاب جرم و بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی فرزندان در ایران مؤثر هستند.

نتیجه‌گیری: به طور کلی، بر اساس نتایج این پژوهش، وجود سطح بالایی از اقتدار در بین والدین و وجود محیط خانوادگی امن از نظر روانی و اقتصادی می‌تواند از فرزندان در برابر مشکلات رفتاری و آسیب‌های اجتماعی حمایت کند. با توجه به نقش خانواده و عملکرد مهم آن در هویت‌یابی و شکل‌گیری شخصیت اجتماعی فرزندان، برای کاهش آسیب‌های اجتماعی باید کارکردهای اجتماعی و فرهنگی خانواده در ایران دچار دگرگونی‌ها و اصلاحات مهم شوند.

کلیدواژه‌ها: خانواده، فرزندان، آسیب‌های اجتماعی، عوامل اقتصادی، سبک‌های فرزندپروری.

Investigating the role of family in the occurrence of social harms of children in Iran

Assadollah Babaeifard, Zeinab Omid, Sholeh Pourabbasi

۱. Associate Professor, Department of Social Sciences, University of Kashan.
۲. Master Student of Social Science Research, University of Kashan.
۳. Master Student of Social Science Research, University of Kashan.

babaiefardm@gmail.com

Abstract

Background and Purpose: The aim of this study was to investigate the role of family in the occurrence of social harms of children in Iran. In the present study, we seek to answer the question: How does the weakness of the family affect the social harms of children? Research in this field is important in the sense that in today's society, the family has undergone significant changes compared to the past. Today, cordial relationships between family members are affected by social conditions. Basically, the decline of family functions can expose it to crisis and collapse. In this study, relying on power control theory, social learning theory, social stratification theory, pressure theory, social disorganization theory, parenting methods theory and companionship theory, as well as referring to empirical research in this field, we tried to explain the role of family in the occurrence of social harms in children

Method: The information required for the research has been collected through documentary-library studies and references to journal sites.

Findings: According to the results of this study, factors such as weak economic strength of the family, conflict and strife in the family between parents or parents and children, poor parental supervision, weak family relationships, weak adherence to religious beliefs, the authoritarian, negligent and indifferent educational methods, weak emotional ties between family members and criminal deviations of parents or relatives are effective in the tendency to commit crime and delinquency and social harm of children in Iran.

Conclusion: Generally, according to the results of this study, the existence of a high level of authority among parents and the existence of a psychologically and economically secure family environment can protect children from behavioral problems and social harms. Considering the role of the family and its important function in identifying and shaping the social personality of children, in order to reduce social harms, the social and cultural functions of the family in Iran must undergo important changes and reforms.

Keywords: family, children, social harms, economic factors, parenting styles.

۱. مقدمه

از زمان تشکیل جوامع بشری، اجتماعات مردمی به این مهم پی بردند که برخی از رفتارهای ارتكابی، حیات زندگی جمعی را تهدید می‌کند. بنابراین جوامع بشری برای حفظ سلامت و ادامه حیات خود، نیازمند وضع هنجارهایی بودند که تخطی از آنها مستوجب کیفر و مجازات بود. به عبارت دیگر، لازمه حیات اجتماعی، برقراری و حفظ نظم و امنیت است. با این وجود بسیاری از افراد، به دلایل، اهداف و انگیزه‌های مختلف به نقض این هنجارها مبادرت ورزیده و امنیت اجتماعی را سلب می‌نمایند. تا قرون متمادی، تنها ابزار و روش پاسخگویی به این نقض هنجارها، سرکوب، کیفر و مجازات بود که البته چندان نیز چاره‌ساز نبوده است (توکلی، ۱۳۹۴: ۱). خانواده بنیاد اجتماع، سلول سازنده زندگی انسان، خشت بنای جامعه و کانون اصلی حفظ سنت‌ها، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی است و شالوده استوار پیوندهای اجتماعی و روابط خویشاوندی و کانونی برای بروز و ظهور عواطف انسانی و رشد اجتماعی است. خانواده واحدی است که بر اساس ازدواج پدید می‌آید و از آغاز پیدایش خود، همچون حریمی امن، زندگی انسان را در بر می‌گیرد و موج تازه‌ای را در درون شبکه خویشاوندی ایجاد می‌کند که شمار زیادی از خویشاوندان را نیز به هم پیوند می‌دهد. انسان در خانواده فرایند جامعه‌پذیری، که شامل مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها است، همچنین نقش‌هایی را در روابطش با دیگران یاد می‌گیرد. آن‌چه در خانواده از اهمیت برخوردار است، توجه به ارزش‌ها، به‌ویژه ارزش‌های خانوادگی و اجتماعی، است. ارزش‌های اجتماعی از اساسی‌ترین عناصر نظام اجتماعی هستند که از طریق آنها می‌توان جامعه را کنترل کرد و به سوی زوال یا تعالی سوق داد؛ بنابراین، خانواده‌ها باید عواملی را که موجب پیدایش، شکل‌گیری و تقویت ارزش‌ها و ارتباطات خانواده و جامعه می‌شوند، بشناسد (اسمعیلی زاده، ۱۳۹۶: ۶۱).

خانواده، کوچکترین، مهم‌ترین و با دوام‌ترین واحد اجتماعی است که تربیت، هنجارآموزی و سنگ بنای شخصیت هر فرد در این نهاد بنا گذاشته می‌شود. به دلیل دارا بودن ظرفیت‌های منحصر به فرد، خانواده مؤثرترین عامل در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان است. نظر به صمیمیت، انس، نزدیکی و محبتی که بین اعضای خانواده برقرار است، درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها توسط نهاد مذکور بسیار سهل‌تر و محتمل‌تر از دیگر نهادهای اجتماعی است (توکلی، ۱۳۹۴: ۲). از سوی دیگر، سرعت گذشت زمان، پیچیدگی‌های زندگی صنعتی، گسترش رسانه‌ها، ایجاد فاصله بین نسل‌ها، افزایش طلاق، افزایش بزهکاری و پیشرفت‌های علمی، لزوم به‌کارگیری عاملی به نام خانواده را بیش از پیش محسوس‌تر نموده است (سیفالرعایایی، ۱۳۹۵: ۳).

اگر خانواده می‌تواند عامل مهمی در گرایش افراد به سمت بزهکاری باشد و شرایط نامطلوب آن بزهکاری را پرورش دهد به همان نسبت وجود شرایط مطلوب در خانواده، رشد ذهنی، عاطفی، روانی و اجتماعی افراد را امکان‌پذیر می‌سازد و مهم‌ترین عامل پیش‌گیری از بزهکاری است. خانواده، نخستین و پایدارترین نهادی است که اعضای خود را به مدت طولانی تحت تأثیر قرار می‌دهد و در شکل‌گیری نوع نگرش و رفتار آنان سهم بسزایی دارد (همان: ۹۰). مطالعه انحرافات و کجروی‌های اجتماعی و به اصطلاح، آسیب‌شناسی اجتماعی، عبارت است از: مطالعه و شناخت ریشه بی‌نظمی‌های اجتماعی، شامل ناهنجاری‌ها و آسیب‌هایی، نظیر بیکاری، اعتیاد، فقر، خودکشی، طلاق و ...، همراه با علل و شیوه‌های درمان و پیش‌گیری از آن‌ها و نیز مطالعه شرایط بیمارگونه و نابسامانی اجتماعی. اگر در جامعه‌ای هنجارها رعایت نشوند، کجروی پدید می‌آید و رفتارها آسیب می‌بیند؛ یعنی آسیب زمانی پدید می‌آید که از هنجارهای مقبول اجتماعی تخلفی صورت پذیرد. عدم پایبندی به هنجارهای اجتماعی، ایجاد آسیب‌های اجتماعی را به دنبال دارد؛ همچنین اگر رفتاری مورد پسند جامعه‌ای نباشد و با سازمان اجتماعی هماهنگی نداشته باشد و مردم آن را ناپسند بدانند، کجروی اجتماعی تلقی می‌شود. عوامل کجروی در جوامع مختلف یکسان نیستند و مناطق از نظر نوع جرم، شدت و ضعف، تعداد و نیز از نظر عوامل جرم متفاوت‌اند (اسمعیلی زاده، ۱۳۹۶: ۶۲).

در بررسی‌های به عمل آمده در بیشتر کشورهای جهان، آمار بزهکاری متوجه جوانان، به ویژه در سنین ۱۲ تا ۲۵ سالگی همچنان روبه رشد است. روند کمی جرائم نوجوانان و جوانان در ایران در سال ۱۳۷۴ از ۷۶۴۴ به ۲۵۰۸۹، در سال ۱۳۷۹ رسیده و جمع آن از ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۹ بیش از ۱۳۰۰۴۶ مورد بوده است. بررسی‌ها نشان داده است که میزان وقوع جرائم برحسب سن، جوان‌ترشده و بزهکاری و جرم از جوانان به نوجوانان به شدت در حال گسترش است. این قشر از افراد جامعه، سرمایه اصلی هر

کشوری محسوب می‌شود که در پویایی و تداوم حیات نظام اجتماعی و رشد و توسعه همه‌جانبه آن درآینده، نقش بسزایی خواهند داشت (فاطمی وهمکاران، ۱۳۹۵: ۳۶).

بزهکاری در فرزندان می‌تواند به عوامل بسیاری مثل مشکلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... وابسته باشد، اما درگام نخست این خانواده هست که فرزند را به مسیر صحیح هدایت می‌کند، یا ناآگاهانه بستر گناه، جرم و انحراف را برای او فراهم می‌سازد. انسان به دلیل اجتماعی بودن، از بدو تولد تحت تأثیر افکار و عقاید و رفتار اطرافیان قرار می‌گیرد و بعدها با تقلید از این رفتارها الگوهایی که با او درارتباط هستند، سرمشق رفتاری خود قرار می‌دهد. بنابراین، والدین کسانی هستند که شخصیت فرزندان خود را شکل می‌بخشند و وضع و موقعیت فرزندان در خانواده یکی از عوامل مهم و موثر در رشد شخصیت آنان است. فرزندان، نگرش‌های اجتماعی را از خانواده می‌آموزند. چنانچه یکی از والدین آلودگی داشته باشد، فرزندان آن‌ها، بیش از هر کس در معرض آلودگی قرار خواهند گرفت. مثلاً اعتیاد تمام یا بعضی از افراد خانواده به مواد مخدر و الکل می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در رفتار فرزندان تأثیرپذیر باشد. می‌توان گفت فرزندان که بزهکار می‌شوند دارای والدینی هستند که یا بسیار خشن و سختگیر بوده، و یا برعکس، بسیار بی‌تفاوت و بی‌توجه به فرزندان خود هستند و اکثراً والدین یا کم‌سواد و یا بی‌سواد هستند و عده‌ای از آنان بی‌کار و از لحاظ مالی و رفاهی دروضع نامطلوب به سر می‌برند (سیف‌الرعیایی، ۱۳۹۵: ۳۷-۴۱).

به طور کلی، در بین تمامی نهادها، سازمان‌ها و تأسیسات اجتماعی، خانواده نقش و اهمیتی خاص و مهم دارد. تمامی آنان که در باب سازمان جامعه اندیشیده‌اند، بسیاری از مصلحین، حتی رؤیایگرایان و آنان که به ناکجاآباد روی کردند، بر خانواده و اهمیت حیاتی آن برای جامعه تأکید ورزیده‌اند. به درستی هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند، چنانچه از خانواده‌هایی سالم برخوردار نباشد. بدون تردید، هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی نیست که فارغ از تأثیر خانواده پدید آمده باشد. به بیان اتوکلاین برگ^۱، فرزند پدر بشر/ست، یعنی اوست که رسالت تداوم نسل‌ها را در خود دارد و هم اوست که کیفیت و کمیت نسل فردا را رقم می‌زند. آلن ژیرار^۲، درباره‌ی اهمیت خانواده در اثر گزینش همسر در *فرانسه‌ی معاصر* می‌نویسد: در بین تمامی مراسم، آداب و حوادث اساسی حیات انسانی، *ازدواج*^۳ از اهمیت بسزا برخوردار است؛ هم از نظرگاه فرد، هم از دیدگاه زیستی و هم از منظر اجتماعی، هیچ نهادی نیست که همانند آن جهانی و از نظر غایت ثابت و پایدار باشد. از این رو هیچ نهادی همانند آن تحت تأثیر دگرگونی‌های اجتماعی قرار نمی‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۸۴: ۱۱).

بنابراین، خانواده مهم‌ترین مکان و فضایی است که هویت و شخصیت فرد در آن شکل می‌گیرد. اگرکانون خانواده گرم باشد، فرزندان دچار آسیب‌های اجتماعی نخواهند شد. برخی تعارض‌های هویتی و شخصیتی از خانواده شروع می‌شود و وقتی بین رفتار پدر و مادر تضادی وجود داشته باشد، فرزندان مشکلات رفتاری و شخصیتی پیدا می‌کنند. بنابراین، باید در وهله اول پدر و مادر با هم روابط گرم و صمیمی داشته باشند تا فرزندان گرما و صمیمیت را در فضای خانواده احساس کنند. اگر رابطه سالم و سازنده‌ای بین خود والدین، بین والدین و فرزندان و یا بین خود فرزندان وجود نداشته باشد نمی‌توان به سلامت اعضای خانواده امید بست. چنین خانواده‌ای می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری رفتارهای ناپه‌نچار در میان اعضای خانواده شده و خانواده را به سمت متلاشی شدن هدایت کند. در تحقیق حاضر دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که خانواده چه تأثیری می‌تواند بر بروز آسیب‌های اجتماعی فرزندان داشته باشد؟ به بیان دیگر، ضعف یا قوت خانواده چه نقشی می‌تواند در سلامت یا آسیب‌های هویتی، شخصیتی و رفتاری فرزندان داشته باشد؟

خانواده برحسب چگونگی محیط داخلی خود ویژگی‌های مثبت و سازنده یا منفی و مخرب در افراد به وجود آورد (نچارپور نصرآبادی، ۱۳۹۷: ۵). آسیب‌های فردی و اجتماعی به‌صورت انحراف، خطا، بی‌نظمی، اختلال و ... موضوعی است که افراد و جوامع در همه زمان‌ها با آن درگیر بوده‌اند. این آسیب‌ها به‌عنوان یک بیماری اجتماعی همواره مورد توجه اهل علم بوده است، به‌طوری که جامعه‌شناسان نیز به آن پرداخته‌اند. فرایند شتابان شهرنشینی و صنعتی‌شدن و به دنبال آن پیدایش معضلات اجتماعی، از جمله

۱. O. Klineberg

۲. A. Girard

۳. Marriage

بزهکاری، انحرافات اجتماعی و اخلاقی، همچون سرقت، قتل، تجاوز، اعتیاد و ... که سرانجام به بحران‌های اجتماعی منجر می‌شوند، از جمله آسیب‌هایی به شمار می‌روند که گریبان‌گیر جوامع امروزی شده است. آسیب‌های اجتماعی پدیده‌هایی واقعی، متغیر، قانونمند و قابل کنترل و پیش‌گیری هستند. کنترل‌پذیری آسیب‌های اجتماعی، شناخت علمی آن‌ها را در هر جامعه‌ای، برای پاسخ به پرسش‌های نظری و عملی، همچنین کاربرد ایده‌ها و یافته‌های علمی تولیدشده در برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت برای مقابله صحیح با آسیب‌های اجتماعی، درمان یا پیش‌گیری از پیدایش و گسترش آن‌ها ضروری و پراهمیت می‌سازد (اسمعیلی زاده، ۱۳۹۶: ۶۳). محیط خانواده اولین و بادوام‌ترین عاملی است که در رشد شخصیت افراد تأثیر می‌گذارد. خانه محلی است که کودک در آن امور مختلف را فرا می‌گیرد و طرز معاشرت با دیگران را می‌آموزد. در این محیط است که اخلاق، ایده‌آل‌ها، راه زندگی و فلسفه اجتماعی منعکس می‌شود و بسیاری از رفتارهای آدمیان چه رفتارهای صحیح و ستودنی و چه رفتارهای نادرست، کسب می‌گردد (پرویزی، ۱۳۸۹: ۲).

یکی از مهم‌ترین راه‌های پیش‌گیری افراد از انحراف و ناهنجاری‌ها، تقویت عملکرد درست خانواده، به خصوص والدین، است، چرا که آن‌ها با افکار و برخوردها و به‌کارگیری روش‌های درست در زندگی می‌توانند اعضای خانواده خود را از کجروی و ناهنجاری نجات دهند؛ بنابراین، اهمیت دادن به خانواده، در پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی دارای اهمیت است. فعالیت‌های روزمره انسان در جامعه، مبتنی بر نظم اجتماعی است و این نظم از طریق افراد و رفتار گروه‌های اجتماعی تداوم می‌یابد. در حقیقت هر رفتار اجتماعی، از طریق هنجارها و قوانین خاصی اداره می‌گردد. این امر، در مراحل اولیه زندگی از طریق فرایند اجتماعی شدن در خانواده انجام و در مراحل بعدی از راه کسب تجربیات در طول زندگی حاصل می‌شود. بنابراین تحقیق در زمینه خانواده از این نظر دارای اهمیت است که در جامعه‌های امروز خانواده دست‌خوش تغییرات قابل توجهی نسبت به گذشته شده و به تدریج شکل قدیمی خود را از دست داده و شکل جدیدیافته است. روابط درون خانواده، روابط میان پدران و مادران، از یک سو، روابط با فرزندان و نیز روابط میان فرزندان و روابط با والدین آن‌ها تحت تأثیر شرایط اجتماعی قرار گرفته و در آن دگرگونی‌هایی پدید آمده است. از این لحاظ خانواده ممکن است در معرض آسیب‌پذیری قرار گیرد و دچار ازهم‌پاشیدگی شود. بنابراین، بدون تردید اهمیت مطالعه در زمینه خانواده و بروز آسیب‌هایی که فرزندان با آن‌ها روبه‌رو هستند یک امر ضروری است. انجام این پژوهش به چند دلیل الزامی است: اولاً با توجه به این که نظم و امنیت گاه به دلایل مختلف و از سوی افراد گوناگون خدشه‌دار می‌شوند، نوجوانان نیز می‌توانند با انجام ناهنجاری و یا بزهکاری در بی‌نظمی و ناامنی سهیم شوند؛ بنابراین، برقراری نظم و امنیت و پیشگیری از وقوع جرم در سطح جامعه در اولویت است. بر همین اساس، شناخت درست عوامل مؤثر بر احساس امنیت و پیشگیری از وقوع جرم می‌تواند احساس امنیت را به‌وجود آورد. دوم این که، در صورت بی‌توجهی به بزهکاری نوجوانان و با گذشت زمان، همچنان شاهد رشد بزهکاری آنان بوده و خانواده‌ها، دولت و جامعه محکوم به پرداخت هزینه‌های آن هستند و بخش بزرگی از این هزینه‌ها نتیجه وقوع بی‌نظمی و ناامنی است. در این راستا، ضرورت دارد که نقش خانواده در سلامت یا عدم سلامت فرزندان، به ویژه بروز آسیب‌های اجتماعی در میان آنها، مورد بررسی قرار گیرد.

از آن‌جا که سلامتی و پویایی جامعه در گرو سلامت خانواده می‌باشد و سلامتی خانواده‌ها نیز در گرو آموزش و آگاهی لازم در مورد نحوه رفتار و برخورد با تک‌تک اعضای خانواده است ضرورت دارد که پژوهش‌هایی در مورد رابطه بین عملکرد خانواده و سلامت رفتاری و شخصیتی فرزندان صورت گیرد. در این راستا، هدف این تحقیق بررسی تأثیر خانواده بر آسیب‌های اجتماعی فرزندان است.

۲. روش پژوهش

در پژوهش حاضر، از روش اسنادی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و مراجعه به کتب، مقالات و نشریات مربوط به موضوع مورد مطالعه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. سپس اطلاعات و داده‌ها جمع‌آوری، طبقه‌بندی و تلخیص شده و سپس مورد بررسی، تجزیه و تحلیل و تفسیر قرار گرفتند. از این طریق ما نقش خانواده در بروز آسیب‌های اجتماعی فرزندان را مورد بحث و بررسی قرار دادیم.

۳. مبانی نظری پژوهش

نظریه کنترل قدرت هاگان: این نظریه بر این پیش فرض استوار است که حضور قدرت در سازمان‌های کار که والدین در آن مشغول هستند و آزادی کنترل نشده در محیط خانواده، جوانان را برای رفتارهای بزهکارانه آماده می‌سازد. هاگان با توسعه مارکسیسم، متغیر جنسیت را به مفاهیم اساسی مارکسیسم افزود و اظهار کرد که ساختار طبقاتی خانواده از طریق از سرگیری روابط جنسی، نقش مهمی در تبیین توزیع اجتماعی رفتار بزهکارانه ایفا می‌کند. این نظریه، طبقه و جنسیت را با هم، در تبیین رفتار بزهکارانه جوانان مورد توجه قرار داده است. قدرت والدین به وسیله عوامل درون خانواده، نظیر روابط والدین، روابط فرزند - والدین و روابط فرزندان با یکدیگر و به وسیله عوامل محیط کار خارج از خانه، نظیر موقعیت اقتصادی والدین در بازار کار تعیین می‌شود. بنابراین، قدرت و کنترل و در نتیجه آزادی برای منحرف شدن به طور مستقیم با موقعیت طبقاتی افراد ارتباط دارد و جنس مذکر برای منحرف شدن، از جنس مؤنث آزادتر است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸).

نظریه امنیت اجتماعی: اریک فروم معتقد است ناامنی رابطه تنگاتنگی با زندگی انسان دارد و بیان می‌کند که هر چه محیط انسان پیشرفته تر و پیچیده تر باشد، این احساس ناامنی شدیدتر می‌شود. به نظر مازلو افرادی که در روابط اجتماعی ناایمن هستند، به نسبت دیگران احساس تنفر و دشمنی می‌کنند. آنها احساس تنهایی و انزوا کرده و از اجتماع دوری می‌جویند (دلاور و همکاران، ۱۳۹۶). به نقل از عباسی و همکاران، (۱۳۹۶).

نظریه کنترل اجتماعی: این نظریه هم کنترل درونی و هم کنترل بیرونی را مورد توجه قرار می‌دهد. هیرشی به ریشه‌یابی وقوع هم‌نواپی در جامعه می‌پردازد. او می‌گوید هر چه همبستگی میان جوانان، خانواده، والدین، بزرگسالان و همسالان بیشتر باشد جوانان به جامعه، مدرسه و خانواده علاقه بیشتری داشته و درگیر فعالیت‌های مقبول اجتماعی می‌شوند و در نتیجه، فرصت کمتری برای پرداختن به رفتارهای ناهنجار خواهند داشت (رئیس دانا، ۱۳۸۰: ۱۴۲).

نظریه یادگیری اجتماعی: نظریه‌پردازان یادگیری اجتماعی معتقدند که جرم همانند دیگر رفتارها در اثر یادگیری هنجارها، ارزش‌ها و رفتارهای مرتبط با فعالیت مجرمانه آموخته می‌شود. این نظریه‌پردازان بر تاثیر متقابل بین رفتارها و محیط تاکید دارند. بر اساس نظریه فعالیت روزمره لورنس کوهن و مارکوس فلسن جرم هنگامی ارتکاب می‌یابد که بزهکار بالقوه و آماج مناسب جرم، در زمان و مکان واحدی با هم مواجه شده و محافظاتی که قادر به پیشگیری از جرم یا کنترل آن هستند در آن لحظه حضور نداشته باشند (مقیمی و رفعتی اصل، ۱۳۷۹: ۷۷). مجموع صاحب‌نظرانی که موضوع یادگیری اجتماعی را مطرح کرده‌اند بر این باورند هم‌نواپی طی فرایندهایی مشابه یاد گرفته می‌شوند و نتیجه یادگیری هنجارها و ارزش‌های انحرافی، به ویژه در چهارچوب خرده‌فرهنگ‌ها و گروه‌های همسالان است. نظریه‌ی پیوند افتراقی ادوین ساترلند، مشهورترین نظریه از مجموع نظریه‌های جامعه‌پذیری یا یادگیری در مباحث اجتماعی است. نکته نظریه مذکور این است که افراد به این علت کج‌رفتار می‌شوند که تعداد ارتباط‌های انحرافی آنان بیش از ارتباط‌های غیرانحرافی‌شان است، یعنی ارتباط بیشتر آنان با کج‌رفتاران یا ایده‌های کج‌رفتار، علت اصلی آن‌هاست.

نظریه پیوند افتراقی: نظریه پیوند افتراقی زیرمجموعه نظریه یادگیری اجتماعی است. به نظر ادوین ساترلند مهمترین صاحب‌نظر این حوزه، انحراف تحت تاثیر نگرش‌های آموخته شده به وجود می‌آید. از دیدگاه وی، افراد به این علت کج‌رفتار می‌شوند که تعداد ارتباط‌های انحرافی آن‌ها بیش از ارتباط‌های غیرانحرافی‌شان است. هنگامی که شخصی وارد یک گروه می‌شود در معرض یک سری ارزش‌ها و هنجارهای آن‌ها قرار می‌گیرد که برخی از آن‌ها مطلوب و برخی دیگر نامطلوب است. ساترلند معتقد است که رفتار انحرافی مثل سایر رفتارهای اجتماعی از طریق پیوستگی و ارتباط با دیگران، انگیزه‌ها و گرایش‌ها و ارزش‌های انحرافی فرا گرفته

می‌شوند (استیسی، ۱۳۷۸: ۱۳۴). ساترلند بر این باور است کسانی مرتکب رفتار انحرافی می‌شوند که بیشتر با کجروان و مجرمان حشر و نشر دارند (قنادان و همکاران، ۱۳۷۵: ۲۰۶).

نظریه شیوه‌های فرزندپروری: فرزندپروری فعالیتی پیچیده شامل روش‌ها و رفتارهای ویژه است که به طور مجزا و یا در تعامل با همدیگر بر رشد فرزندان تاثیر دارند. در واقع اساس شیوه‌های فرزندپروری مبین تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکان‌شان است (بامریند^۱، ۱۹۹۱، به نقل از شکوهی یکتا، ۱۳۸۵). بر اساس مطالعات بامریند شیوه‌های فرزندپروری به سه سبک فرزندپروری اقتداری، فرزندپروری استبدادی و فرزندپروری آسان‌گیرانه تقسیم می‌شوند (بامریند، ۱۹۹۱).

۱. والدین مقتدر: والدینی که این الگوی فرزندپروری را دارند به فرزندان خود استقلال و آزادی فکری می‌دهند و آن‌ها را تشویق می‌کنند و نوعی محدودیت و کنترل نیز بر آن‌ها اعمال می‌دارند. در خانواده‌های با والدین مقتدر اظهار نظرها و ارتباط اخلاقی وسیع در تعامل کودک و والدین وجود دارد و گرمی و صمیمیت نسبت به کودک در سطح بالاست (ماین و همکاران، ۱۳۸۹). والدین قاطع و اطمینان‌بخش علاوه بر عهده‌دار شدن نقش پدر و مادری، مسئولیت تربیت فرزندان را نیز تقبل می‌کنند و همواره سعی می‌کنند که با کسب آگاهی‌های تربیتی بیشتر شیوه‌های گوناگون این کار را انجام دهند (لامبورن^۲ و همکاران، ۱۹۹۷).

۲. والدین سهل‌گیر: این والدین به صورت افراطی نسبت به کودکان خود پذیرش و پاسخ‌دهی دارند، اما توقعی از کودکان خود ندارند (اشتاين برگ، ۱۳۸۷) و نسبت به آموزش رفتارهای اجتماعی فرزند خود سهل‌انگار هستند. در این خانواده‌ها نظم و ترتیب و قانون کمی حکم فرماست و پایبندی اعضا به قوانین و آداب و رسوم اجتماعی بسیار کم است و هر کس هر کاری بخواهد می‌تواند انجام دهد. بعضی از این والدین اجازه می‌دهند کودک هر کاری دلش می‌خواهد انجام دهد، شاید به این دلیل که کاری به کودک ندارند یا این که برای تربیت کودک خود اهمیت نمی‌دهند (سدورو^۳، ۱۹۹۰).

۳. والدین مستبد: شیوه فرزندپروری استبدادی با ویژگی‌های توقع بالا و پذیرش پایین مشخص شده است. این والدین قوانین خود را به صورت انعطاف‌ناپذیری تحمیل می‌کنند. از نظر تربیتی خشن و تنبیه‌گرند، با رفتار بد مقابله می‌کنند و کودک بدرفتار را تنبیه می‌کنند. ابراز محبت و صمیمیت آن‌ها نسبت به کودک در سطح پایین است. آن‌ها امیال کودکان را در نظر نمی‌گیرند و عقایدش را جویا نمی‌شوند. کودکان دارای چنین والدینی ثبات روحی و فکری ندارند و خویشتن را بدبخت می‌پندارند. آن‌ها زود ناراحت می‌شوند و در برابر فشارهای روانی آسیب‌پذیرند (هیبیتی، ۱۳۸۱).

جدول ۱: کنترل و محبت والدین در سبک‌های فرزندپروری

| سبک | سطح توقع (کنترل) | سطح پاسخ‌دهی (محبت) |
|------------|------------------|---------------------|
| مستبدانه | زیاد | کم |
| سهل‌گیرانه | کم | زیاد |
| مقتدرانه | زیاد | زیاد |

^۱ Diana Baumrind

^۲ Lamborn

^۳ Sedorow

نظریه قشربندی اجتماعی: این نظریه معتقد است که ارتکاب جرم با وضعیت اقتصادی جامعه ارتباط دارد. این دیدگاه بر تأثیر جرم‌زای فقدان درآمد مکفی برای تامین نیازهای معیشتی اولیه تاکید دارد و معتقد است ارتکاب جرم یکی از منابع و شیوه‌های اصلی کسب معاش برای ساکنین مناطق فقیرنشین است (حکمت نیا و افشانی، ۱۳۸۹: ۷۲).

نظریه فشار: اساس نظریه فشار بر این پیش‌فرض استوار است که زمانی که افراد نتوانند در کسب اهداف مورد نظرشان موفق شوند با فشارهایی مواجه می‌شوند که در شرایط خاص برای واکنش به این فشارها احتمال ارتکاب جرم افزایش می‌یابد (رئیس دانا، ۱۳۸۰: ۲۶). این نظریه رفتارهای انحرافی را نتیجه فشارهای می‌داند که بعضی از مردم را وادار به کج‌روی و بروز ناامنی می‌کند. پایه این نظریه را اعتقاد به این مسئله تشکیل می‌دهد که عوامل و ویژگی‌های فردی، به خصوص طبقه اجتماعی، تعیین‌کننده میزان احساس امنیت است و هر چه فرد از لحاظ وضعیت اقتصادی و رفاهی در موقعیت مناسب‌تری باشد، میزان احساس امنیت این فرد نیز بالاتر رفته و هرچه فرد به لحاظ اقتصادی ضعیف‌تر باشد و در تامین نیازهای کمی و کیفی زندگی‌اش ناتوان باشد، در نتیجه احساس آسیب‌پذیری بیشتری می‌کند و به لحاظ داشتن احساس امنیت نیز در سطح پایین‌تری قرار می‌گیرد (کامران و شعاع برآبادی، ۱۳۸۹: ۴۱). چنین فردی بیشتر مستعد انجام رفتارهای بزهکارانه است.

نظریه بی‌سازمانی اجتماعی: شاو و مک‌کی برای این که دلایل بالا بودن نرخ بزهکاری را در مناطق خاصی از شهر توجیه کنند از نظریه بی‌سازمانی اجتماعی استفاده کردند. آن‌ها بی‌سازمانی اجتماعی را به وضعیتی اطلاق می‌کردند که در آن‌ها نهادها و سازمان‌های اجتماعی مانند مدرسه، خانواده و پلیس در حل مشکلاتی که اجتماع با آن مواجه است توانایی خود را از دست دهند یا به عبارتی به وضعیتی که مکانیزم کنترل اجتماعی تضعیف می‌گردد. از نظر شاو و مک‌کی، هر اجتماعی که دچار بی‌سازمانی اجتماعی است دارای ویژگی‌های خاصی است که آن را از سایر اجتماعات متمایز می‌کند. یکی از ویژگی‌های بسامان بودن یک اجتماع، هم‌سو بودن نگرش‌ها و ارزش‌ها در مواردی مانند تربیت و مراقبت از کودکان است. در اجتماعات بسامان نگرش‌ها و ارزش‌های همانند و یکسانی در زمینه تربیت، مراقبت از کودک و کنترل اجتماعی وجود دارد که در نهادها و انجمن‌های داوطلبانه‌ای ظهور یافته و موجبات حفظ و تداوم این ارزش‌ها هستند. در میان این سازمان‌ها می‌توان از انجمن‌های اولیاء و مربیان، انجمن‌های زنان و خدماتی، کلیساها و انجمن‌های محله‌ای نام برد. این نهادها نمایانگر و حافظ ارزش‌های حاکم هستند. در چنین انجمن‌هایی است که کودک در معرض یک شیوه از زندگی قرار می‌گیرد و در آن مشارکت می‌کند، در حالی که ممکن است او با روش‌های دیگر زندگی هم آشنا شود، اما آن‌ها بخشی از زندگی او محسوب نمی‌شوند. در مقابل، از ویژگی‌های اجتماعات بی‌سازمانی رواج تنوع گسترده‌ای از هنجارها، ارزش‌ها و استانداردهای رفتاری و اخلاقی متعارض و متضاد در جامعه است. در این زمینه وجود تعارض در ارزش‌ها و هنجارهای نهادها و سازمان‌هایی مانند خانواده، کلیسا و سایر نهادهای فرهنگی می‌تواند نقش مهمی در بروز نابسامانی اجتماعی داشته باشد (مک‌کی^۱، شاو^۲ و همکاران، ۱۹۶۲). نظریه‌پردازان بر این باورند که عواملی چون کاهش کارایی نهادهای اجتماعی نظیر خانواده و تضعیف تقیدهای خویشاوندی به عنوان نیروهای غیررسمی کنترل اجتماعی، باعث کاهش انسجام اجتماعی و افزایش جرائم می‌شوند (احمدی، ۱۳۸۴: ۴۳). ویلیامز هال به پنج عامل خانوادگی موثر بر انحراف اجتماعی اشاره می‌کند که عبارتند از: ۱. خانواده گسسته شده؛ ۲. کشش یا فشار خانواده؛ ۳. انضباط و روابط خانواده؛ ۴. مجرمیت در خانواده؛ ۵. اهمال و غفلت در خانواده (هال^۳، ۱۹۸۲).

۴. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش برای بررسی رابطه بین عملکرد خانواده و آسیب‌های اجتماعی فرزندان تعدادی از پژوهش‌های تجربی خارجی و داخلی را مورد بررسی قرار داده و در نهایت به جمع‌بندی نتایج آنها پرداخته‌ایم.

^۱ McKay

^۲ Shaw

^۳ Hall

جدول ۲: مروری بر پیشینه پژوهش‌های تجربی خارجی

| نام محقق | سال | نتایج |
|----------------------------|------|--|
| ساگر ^۱ | ۲۰۰۹ | در تحقیقی رشد و تحول اخلاقی نوجوانان بزهکار را با نوجوانان عادی مورد مقایسه قرار دادند. نتایج این تحقیق نشان داد که نوجوانان عادی به طور نسبی در مراحل بالاتری از رشد اخلاقی قرار دارند و اینجاست که نقش خانواده در تحول اخلاقی فرد بیدار و نگه داشتن وجدان و بزهکار یا غیربزهکار بودن و حتی شکل‌گیری هویت او مشخص می‌شود، چرا که هویت و سبک‌های هویتی متنوع نیز تغییرات عمده‌ای در عملکردهای افراد به وجود می‌آورد. |
| پارسل و همکاران | ۱۹۹۳ | در تحقیقی با عنوان سرمایه اجتماعی خانواده و مشکلات رفتاری کودکان که پارسل و همکاران به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی خانواده با جامعه‌پذیری کودکان همبستگی دارد. همچنین، وضعیت اشتغال والدین با سازگاری اجتماعی کودکان در ارتباط است. |
| دوپری شیلدز ^۲ | ۲۰۰۷ | پژوهش دوپری نشان داد که شیوه فرزندپروری مقتدرانه با کاهش کاربرد راهبردهای خودناتوانسازی مرتبط است. |
| وارن و جانسون ^۳ | ۱۹۸۹ | با انجام تحقیقی میدانی در مورد غفلت خانوادگی و بزهکاری به این نتیجه رسیدند که جوانانی که والدین‌شان از آن‌ها غافل شده‌اند و یا کمبود محبت خانوادگی دارند احتمال بیشتری دارد که درگیر بزهکاری و خلاف‌هایی مانند فرار از خانه و مدرسه شوند. |

جدول ۱-۳: مروری بر پیشینه پژوهش‌های تجربی داخلی

| نام محقق | سال | عنوان | روش | نتایج |
|----------------------------|------|---|--|---|
| حسین اشتری فرد، مجید فقیه | ۱۳۹۴ | ارائه مدل پیشگیری از نگرانی اجتماعی از وقوع جرم و ایجاد امنیت اجتماعی: مطالعه موردی ساکنین تهران بزرگ | جامعه آماری شهروندان شهر تهران، نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران و با روش خوشه‌ای و میدانی ۳۸۵ نفر تعیین شد. | نتایج تحقیق نشان داد که عامل نگرانی اجتماعی از وقوع جرم باعث توجه به امنیت اجتماعی می‌شود. |
| عباسی و همکاران | ۱۳۹۶ | رابطه سلامت عمومی و تعارض محیط خانواده با احساس امنیت عمومی شهروندان | جامعه آماری شامل تمامی شهروندان شهر ساری بوده که از این میان تعداد ۳۰۵ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. | نتایج پژوهش نشان داد که بین تعارض محیط خانواده با احساس امنیت عمومی رابطه منفی وجود دارد، به طوری که هر چه تعارض محیط خانواده کاهش یابد، میزان احساس امنیت عمومی در شهروندان افزایش می‌یابد. |
| منصوره دسترنج و محسن دیانت | ۱۳۹۹ | نقش عوامل خانوادگی در پیشگیری از ارتکاب جرم در بین جوانان با تاکید بر امنیت اجتماعی | جامعه آماری شامل جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله ساکن شهر بندرعباس بوده که با استفاده از فرمول کوکران ۳۵۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. | یافته‌های تحقیق نشان داد رابطه معناداری بین پیشگیری از جرم با تحصیلات والدین، وضعیت اقتصادی، سن، میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی، نیاز اجتماعی، امنیت اجتماعی و نگرش دینی وجود دارد. |
| نوری | ۱۳۸۹ | بررسی تأثیر خانواده نابسامان در گرایش فرزندان نوجوان به بزهکاری در شهر اهواز | داده‌ها از طریق مصاحبه میدانی با ۱۰۰ نفر از نوجوانان ساکن در کانون اصلاح و تربیت شهر اهواز گردآوری شد. | نتایج حاکی از آن است که شیوه‌های تربیت مستبدانه و یا سهل‌گیرانه توأم با بی‌توجهی والدین در گرایش نوجوانان به بزهکاری مؤثر است. همچنین عواملی مانند تعداد اعضای خانواده، تحصیلات پایین والدین، نوع شغل والدین، میزان درآمد والدین، جدایی والدین، انحرافات مجرمانه والدین بر بزهکاری نوجوانان مؤثر است. |

^۱ Sugar

^۲ Dupree Shields

^۳ Warren & Johnson

جدول ۲-۳: مروری بر پیشینه پژوهش‌های تجربی داخلی

| نام محقق | سال | عنوان | روش | نتایج |
|------------------------|------|---|--|---|
| محمد ارقبایی و همکاران | ۱۳۹۷ | نقش جو عاطفی خانواده در گرایش به مصرف مواد: بررسی نقش میانجی عاطفه منفی | روش پژوهش از نوع همبستگی، مدل‌یابی معادلات ساختاری، جامعه تحقیق دانشجویان دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید بهشتی مشهد در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ بوده و تعداد ۴۰۰ نفر به عنوان نمونه به روش خوشه‌ای تصادفی برگزیده شدند. | نتایج نشان داد عاطفه منفی نقش میانجی در ارتباط جو عاطفی خانواده با گرایش به مصرف مواد دارد. همچنین با توجه به شاخص‌های برازش، مدل ارائه شده دارای برازش بوده است. |
| باقری و همکاران | ۱۳۸۸ | بررسی عوامل خانوادگی موثر ارتکاب جرم | در نمونه‌ای به حجم ۵۵۰ نفر از شهروندان شهر اهواز که در دو گروه مجرم (۱۵۰ نفر) و غیرمجرم (۴۰۰ نفر) جای داشتند مصاحبه به عمل آمد. چارچوب نظری این تحقیق را تئوری‌های ساترلند و شاو و مک‌کی تشکیل می‌دهد. | یافته‌های تحقیق نشان داد که متغیرهای جنس، تحصیلات، یادگیری اجتماعی، قومیت، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، منطقه، محل سکونت با متغیر وابسته جرم رابطه معناداری دارند، در حالی که متغیرهای مستقل سن، اشتغال و ازهم‌گسیختگی خانوادگی با متغیر وابسته جرم رابطه معنادار نداشتند. |
| فاطمی و همکاران | ۱۳۹۵ | بررسی نقش خانواده در بزهکاری فرزندان: مورد مطالعه: نوجوانان پسر شهر زنجان | جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر زنجان تشکیل می‌دهند. تعداد نمونه به حجم ۳۶۰ نفر از طریق فرمول کوکران برآورد و به شیوه خوشه‌ای چندمرحله‌ای به عنوان نمونه مورد بررسی انتخاب شدند. | نتایج تحقیق رابطه متغیرهای نظارت والدین و دلبستگی به خانواده را با متغیر وابسته، یعنی بزهکاری نوجوانان، به تأیید رساند. نتایج پژوهش همچنین نشان داد که متغیرهای نظارت والدین و دلبستگی به خانواده به ترتیب، بیشترین تأثیر را بر بزهکاری نوجوانان داشته‌اند. |
| علیوردی نیا و همکاران | ۱۳۷۸ | سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری | در این پژوهش مبتنی بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی خانواده کلمن و نظریه پیوند اجتماعی هیرشی بوده و با روش پیمایش انجام شده. جامعه آماری آن نوجوانان دختر و پسر سال سوم دبیرستان شهر سمنان بوده است. | یافته‌های تحقیق نشان داد که سرمایه اجتماعی شناختی درون خانواده در بین پاسخگویان پسر بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی بزهکاری را دارد. در صورتی که سرمایه اجتماعی ساختاری درون خانواده در بین پاسخگویان دختر، آگاهی والدین و عضویت والدین در نهادهای اجتماعی بارتارهای بزهکارانه رابطه معناداری را نشان داده‌اند. |

۵. بحث و نتیجه‌گیری پژوهش

این پژوهش به منظور بررسی نقش خانواده در پیشگیری از جرائم و آسیب‌های اجتماعی انجام شد. خانواده، کوچکترین، مهمترین و دوامترین واحد اجتماعی است که تربیت، هنجارآموزی و سنگ بنای شخصیت هر فرد در آن نهاد بنا گذاشته می‌شود. پژوهش‌های اشتیری و همکاران (۱۳۹۴)، عباسی و همکاران (۱۳۹۶)، دسترنج و همکاران (۱۳۹۹)، نوری (۱۳۸۹)، ارقبایی و همکاران (۱۳۹۷)، باقری و همکاران (۱۳۸۸)، فاطمی و همکاران (۱۳۹۵)، علیوردی نیا و همکاران (۱۳۷۸)، ساگر (۲۰۰۹)، پارسل و همکاران (۱۳۹۳)، دوپری شیلدز (۲۰۰۷)، وارن و جاسون (۱۹۸۹) هر کدام نقش خانواده در پیشگیری از جرائم و آسیب‌های اجتماعی را مورد بررسی قرار دادند و در این زمینه هم‌داستان هستند.

نظریه پیوند افتراقی زیرمجموعه نظریه یادگیری اجتماعی است. به نظر ادوین ساترلند مهمترین صاحب‌نظر این حوزه، انحراف تحت تأثیر نگرش‌های آموخته شده به وجود می‌آید. از دیدگاه وی، افراد به این علت کج‌رفتار می‌شوند که تعداد ارتباط‌های انحرافی آن‌ها بیش از ارتباط‌های غیرانحرافی‌شان است. هنگامی که شخصی وارد یک گروه می‌شود در معرض یک سری ارزش‌ها و

هنجارهای آن‌ها قرار می‌گیرد که برخی از آن‌ها مطلوب و برخی دیگر نامطلوب است. ساترلند معتقد است که رفتار انحرافی مثل سایر رفتارهای اجتماعی از طریق پیوستگی و ارتباط با دیگران، انگیزه‌ها و گرایش‌ها و ارزش‌های انحرافی فرا گرفته می‌شوند (استیسی، ۱۳۷۸: ۱۳۴). بر اساس مطالعات بامریند شیوه‌های فرزندپروری به سه سبک فرزندپروری اقتداری، استبدادی و آسان‌گیرانه تقسیم می‌شوند (بامریند، ۱۹۹۱).

بر اساس نظریه فشار، زمانی که افراد نتوانند در کسب اهداف مورد نظرشان موفق شوند با فشارهایی مواجه می‌شوند که در شرایط خاص برای واکنش به این فشارها احتمال ارتکاب جرم افزایش می‌یابد. نظریه فشربندی اجتماعی معتقد است که ارتکاب جرم با وضعیت اقتصادی جامعه ارتباط دارد. این دیدگاه بر تأثیر جرم‌زای فقدان درآمد مکفی برای تأمین نیازهای معیشتی اولیه تأکید دارد و معتقد است ارتکاب جرم یکی از منابع و شیوه‌های اصلی کسب معاش برای ساکنین مناطق فقیرنشین است (حکمت نیا و افشانی، ۱۳۸۹: ۷۲). نظریه‌پردازان یادگیری اجتماعی معتقدند که جرم همانند دیگر رفتارها در اثر یادگیری هنجارها، ارزش‌ها و رفتارهای مرتبط با فعالیت مجرمانه آموخته می‌شود. نظریه‌پردازان بی‌سازمانی اجتماعی عواملی چون کاهش کارآیی نهادهای اجتماعی، نظیر خانواده، و تضعیف تقیدهای خویشاوندی به عنوان نیروهای کنترل بیرونی رفتار را مورد توجه قرار می‌دهند. هیرشی به ریشه‌یابی وقوع هم‌نوایی در جامعه می‌پردازد. او می‌گوید هر چه افراد فعالیت بیشتری داشته و درگیر فعالیت‌های مقبول اجتماعی می‌شوند فرصت کمتری برای پرداختن به رفتارهای ناهنجار خواهند داشت. نظریه کنترل هاگان بر این پیش‌فرض استوار است که حضور قدرت در سازمان‌های که والدین در آن مشغول به کار هستند و آزادی کنترل نشده در محیط خانواده، جوانان را برای رفتارهای بزهکارانه آماده می‌سازد. هاگان با توسعه مارکسیسم، متغیر جنسیت را به مفاهیم اساسی مارکسیسم رفتار بزهکارانه اضافه می‌کند. این نظریه، طبقه و جنسیت را با هم، در تبیین رفتار بزهکارانه جوانان مورد توجه قرار داده است. آسیب‌های اجتماعی پدیده‌هایی واقعی، متغیر، قانونمند و قابل کنترل و پیش‌گیری هستند. کنترل‌پذیری آسیب‌های اجتماعی، شناخت علمی آن‌ها را در هر جامعه‌ای، برای پاسخ به پرسش‌های نظری و عملی، همچنین کاربرد ایده‌ها و یافته‌های علمی تولیدشده در برنامه‌ریزی‌های کوتاه مدت و بلندمدت برای مقابله صحیح با آسیب‌های اجتماعی، درمان یا پیش‌گیری از پیدایش ضروری می‌سازد. به طور کلی، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که عوامل خانوادگی زیر در بروز آسیب‌های رفتاری و شخصیتی فرزندان نقش دارند: ۱. عدم پایداری خانواده‌ها به آموزه‌های دینی؛ ۲. آشفتگی کانون خانواده؛ ۳. طرد اجتماعی خانواده؛ ۴. نوع شغل والدین؛ ۵. بیکاری و عدم اشتغال سرپرست خانوار؛ ۶. فقر و مشکلات معیشتی خانواده؛ ۷. دوستان ناباب فرزندان؛ ۸. محیطی که خانواده را احاطه کرده است؛ ۹. فقر فرهنگی خانواده و تربیت نادرست فرزندان؛ ۱۰. استفاده نادرست از رسانه‌های ارتباط جمعی، به ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی. به طور کلی، با توجه به نتایج این تحقیق می‌توان گفت خانواده و عملکرد آن تأثیر مهمی در جامعه‌پذیری و هویت‌یابی فرزندان دارد و این حاکی از نقش مبرم خانواده در ساختار هویتی و تربیتی و شخصیت فرزندان است. در راستای نتایج پژوهش حاضر و با توجه به وجود رابطه معنادار بین نظارت و کنترل والدین با بزهکاری فرزندان و همچنین سهم مهم دلبستگی عاطفی نسبت به خانواده و تبیین بزهکاری فرزندان، راهکارهای زیر برای کاهش بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی مرتبط به عملکرد خانواده‌ها ارائه می‌شود: ۱. دوستی با فرزندان و ایجاد جو صمیمانه و مؤثر با فرزندان؛ ۲. حذف فاصله والدین با فرزندان به گونه‌ای که فرزندان به راحتی مشکلات و نیازهای خود را با والدین مطرح نمایند می‌تواند نتایج مثبتی به همراه داشته باشد؛ ۳. ایجاد سازگاری در محیط خانواده؛ ۴. ایجاد بستر مناسب برای احساس امنیت، آرامش و عزت نفس در فرزندان؛ درک متقابل والدین و فرزندان و تلاش در جهت تأمین نیازهای مادی و معنوی از سوی والدین می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد؛ ۵. توجه به نیازهای عاطفی و روحی نوجوانان و ایجاد فضای مطلوب برای رشد و تعالی فرزندان؛ ۶. مراقبت و کنترل والدین در مورد دوست‌یابی و معاشرت‌های فرزندان از دیگر مواردی است که خانواده با عمل کردن به آن‌ها می‌تواند نقش مهمی در زمینه کاهش بزهکاری فرزندان داشته باشد.

منابع

- احمدی، حبیب (۱۳۸۴) *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران، انتشارات سمت.
- ارقبایی، محمد؛ سلیمانیان، علی اکبر، محمدی پور، محمد (۱۳۹۷). نقش جو عاطفی خانواده در گرایش به مصرف مواد: بررسی نقش میانجی عاطفه منفی، *فصلنامه اعتیاد پژوهی*، سال دوازدهم، شماره ۴۵.
- استیسی، د. رالف (۱۳۹۴). مدیریت بر شناخته‌ها، ترجمه محسن قدمی و مسعود نیازمند، انتشارات مرکز آموزشی مدیریت دولتی.
- اسمعیلی زاده، وحیده (۱۳۹۶). نقش خانواده در پیشگیری از جرائم و آسیب‌های اجتماعی، *فصل نامه علمی- تخصصی دانش انتظامی ایلام*، سال ششم، شماره ۲۴.
- اشتری فرد حسین؛ فقیه، مجید (۱۳۹۴). ارائه مدل پیشگیری از نگرانی اجتماعی از وقوع جرم و ایجاد امنیت اجتماعی: مطالعه موردی ساکنین تهران بزرگ، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، شماره ۴۱.
- باقری، معصومه؛ ملتفت، حسین؛ رضادوست، کریم. (۱۳۸۸). بررسی عوامل خانوادگی موثر بر ارتکاب، جرم، *فصلنامه دانش انتظامی*، سال یازدهم شماره ۴.
- پرویزی، سیروس (۱۳۸۹). *پیشگیری خانواده‌محور از بزهکاری اطفال ونوجوانان در ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- توکلی، رضا (۱۳۹۴). *نقش خانواده در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان با تأکید بر آموزه‌های اسلامی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری اطفال و نوجوانان، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
- حکمت نیا، حسن؛ افشانی، سید علیرضا (۱۳۸۹) *حاشیه‌نشینان و ارتکاب جرائم اجتماعی؛ مطالعه موردی شهر یزد، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، شماره ۷۲.
- خلیل، هبیتی (۱۳۸۱). *بررسی شیوه‌های فرزندپروری والدین و رابطه آن با شیوه‌های مقابله با استرس دانش‌آموزان دختر و پسر سال سوم دبیرستان‌های شهر زرقان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- دسترنج، منصوره؛ محسن دیانت (۱۳۹۹). *نقش عوامل خانوادگی در پیشگیری از ارتکاب جرم در بین جوانان با تأکید بر امنیت اجتماعی*، *پژوهش‌نامه نظم و امنیت اجتماعی*، سال سیزدهم، شماره ۲.
- رئیس دانا، فریبرز (۱۳۸۰). *بررسی‌هایی در آسیب‌شناسی اجتماعی ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- رجایی، علی (۱۳۸۱). نقش خانواده، همسالان و رسانه‌های گروهی در رفتارهای انحرافی نوجوانان پسر، *فصلنامه دانش انتظامی*، سال دهم، شماره ۱۲ و ۱۱.
- ساروخانی، باقر؛ ۱۳۸۴، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران، انتشارات سروش.
- سیف‌الرعایایی، محسن (۱۳۹۵). *نقش خانواده در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و بزهکاری فرزندان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفت.
- شکوهی یکتا، محسن (۱۳۸۵). *مطالعه تطبیقی سبک‌های فرزندپروری، مجله تربیت اسلامی*، دوره دوم، شماره ۳.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۳). *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران، نشر آن.
- عباسی، قدرت‌الله؛ حمیدی فر، علیرضا؛ عبدی، رمضان علی؛ اخلاقی، محمد حسین (۱۳۹۶). *رابطه سلامت عمومی و تعارض محیط خانواده با احساس امنیت عمومی شهروندان، پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی*، سال دهم، شماره ۱.
- علیوردی نیا؛ شارع پور، محمود؛ ورمزیار، مهدی (۱۳۸۷). *سرمایه اجتماعی و بزهکاری*، فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ششم، شماره ۲.
- فاطمی، داود؛ رحیمی، عارف؛ سعادت‌تی، موسی؛ عباس زاده، محمد (۱۳۹۵). *بررسی نقش خانواده در بزهکاری فرزندان؛ مورد مطالعه: نوجوانان پسر شهر زنجان، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، سال پنجم، شماره پیاپی ۴۱.
- قنادان، منصور؛ مطیع، ناهید؛ ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۵). *مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی*، تهران، انتشارات آوای نور.
- کامران، حسن؛ شعاع برآبادی، علی (۱۳۸۹). *برسی امنیت شهری در شهرهای مرزی؛ مطالعه موردی شهر تابباد، فصلنامه انجمن جغرافیای ایران*، سال هشتم، شماره ۲۵.

کرمی، جهانگیر؛ باقری، اشکان (۱۳۹۴). بررسی رابطه تنیدگی ادراک شده، حمایت اجتماعی و عاطفه مثبت و منفی با سطح اعتیادپذیری در دانشجویان، *فصلنامه دانش انتظامی کرمانشاه*، شماره ۲۱.

مصطفائی، فاطمه؛ مصطفائی، مرتضی؛ زارع مهدوی، قادر (۱۳۹۴). مقایسه کارکرد خانواده، معنای زندگی و میزان رشد اخلاقی در بین افراد مجرم و غیرمجرم، *فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*، سال یازدهم، شماره ۱.

مقیم، مهدی؛ رفعتی اصل، سید عزیز (۱۳۸۹). پلیس و راهبردهای وضعی پیشگیری از جرم، *فصلنامه نظم و امنیت اجتماعی*، سال دوم، شماره ۴.

نجاپور نصرآبادی، نرگس (۱۳۹۷). نقش خانواده در پیشگیری از جرائم و آسیب‌های اجتماعی، در سایت کالج پروژه، قابل دسترس در: www.collegeprozeh.ir

نوری، زینب (۱۳۸۹). بررسی تأثیر خانواده نابسامان در گرایش فرزندان به بزهکاری در شهر اهواز، *ماهنامه اصلاح و تربیت*، سال نهم، شماره ۹۶.

هیبتی، خلیل (۱۳۸۱). *بررسی شیوه‌های فرزندپروری والدین و رابطه آن با شیوه‌های مقابله با استرس دانش‌آموزان دختر و پسر سال سوم دبیرستان‌های رشد زرقان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شیراز.

- Baumrind, Diana (۱۹۹۱). The Influence of Parenting Style on Adolescent Competence and Substance Use, *The Journal of Early Adolescence*, ۱۱ (۱), ۵۶-۹۵.
- Hall, Williams. J. E. (۱۹۸۲). *Criminology and Criminal Justice*, London, Butterworth.
- Lamborn, S. D. et al. (۱۹۹۷). *Patterns of competence and adjustment among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent or neglectful families*, Psychological Reports, pp. ۷۳۱-۷۴۸.
- Parcel Toby L; Menagman, Elizabeth G. (۱۹۹۳). *Family Social Capital and Problems Children's Behavior*, Social Psychology Quarterly, Published By: American Sociological Association, Vol. ۵۶.
- Sedorow, L. (۱۹۹۰). *Psychology*, WN. C, Brown Publications.
- Shaw. C R; McKay H.D. (۱۹۶۲). *Juvenile Delinquency and urban Areas*, Chicago, University of Chicago Press.
- Shields Catherin DuPree (۲۰۰۷). *The Relationship between Goal Orientation Parenting Style and Self-Handicapping in Adolescents*, Unpublished doctoral dissertation, Department of Educational Studies in Psychology, University of Alabama.
- Sugar, M. (۲۰۰۹). *Female Adolescent Development*, New York, Brunner Mazel.